

عنوان مقاله: روش های کشف آموزه های اقتصاد اسلامی  
یوسفی، احمد علی

### **: چکیده**

این نوشتار بررسی روش‌هایی است که فقیهان و محققان اقتصاد و فقه شیعه برای دستیابی به آموزه‌های اسلامی، مطابق با مذهب گرفته‌اند. چون هرگونه روشی در اقتصاد اسلامی و قلمروهای آن در پیش هر چند ( کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی به تصور و برداشت محقق اجمالی) از مفهوم و قلمرو اقتصاد اسلامی بستگی دارد، ابتدا برداشت و مدعیان این روش‌ها را از اقتصاد اسلامی و قلمرو آن مطرح می‌کنیم؛ تصور روش‌های مطرح شده را با توجه به مبانی فقه شیعه آن‌گاه هر یک از اقتصاد اسلامی از دیدگاه نویسندگان این ملاحظه خواهیم کرد. آموزه‌های آموزه‌های اقتصاد اسلامی مقاله نیز ارائه و روش‌هایی که برای کشف لازم است، بیان می‌شود.

### **: کلمات کلیدی**

روش کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی، آموزه‌های اقتصاد اسلامی، روش تاسیس، روش اکتشاف، روش تکوین، روش «إن» و روش امضا، روش کشف «لِم»، روش ترکیب، حجیت روش‌های

### **چکیده**

این نوشتار بررسی روش‌هایی است که فقیهان و محققان اقتصاد و فقه شیعه برای دستیابی به آموزه‌های اسلامی، مطابق با مذهب گرفته‌اند. چون هرگونه روشی در اقتصاد اسلامی و قلمروهای آن در پیش هر چند ( کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی به تصور و برداشت محقق اجمالی) از مفهوم و قلمرو اقتصاد اسلامی بستگی دارد، ابتدا برداشت و مدعیان این روش‌ها را از اقتصاد اسلامی و قلمرو آن مطرح می‌کنیم؛ تصور روش‌های مطرح شده را با توجه به مبانی فقه شیعه آن‌گاه هر یک از اقتصاد اسلامی از دیدگاه نویسندگان این ملاحظه خواهیم کرد. آموزه‌های آموزه‌های اقتصاد اسلامی مقاله نیز ارائه و روش‌هایی که برای کشف لازم است، بیان می‌شود.

واژگان کلیدی: روش کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی، آموزه‌های اقتصاد امضا، روش تاسیس، روش اکتشاف، روش تکوین، روش اسلامی، روش روش‌های کشف «إن» و روش «لِم»، روش ترکیب، حجیت

### **مقدمه**

روش استنباط و دستیابی آموزه‌ها و قلمروهای اقتصادی هر شریعتی تفاوت در روش استنباط، تمایزهای فراوانی را درباره امری مهم است، و پی آموزه‌های اقتصادی مستنبط در

---

استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی \*

خواهد داشت. شریعت مقدس اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست. دستیابی آموزه‌های اقتصادی اسلام، فرق‌های فراوانی را تفاوت در روش داشت. در این نوشتار، ضمن پرداختن به در محصول نهایی در پی خواهد آن بهره برده‌اند، برخی روش‌های مهمی که محققان اقتصاد اسلامی از کوشش خواهد شد تا روش استنباط آموزه‌های اقتصادی اسلام که با مبانی معرفت‌شناسی فقهی اسلام باشد، ارائه شود. ابتدا همسو را از دیدگاه نویسندگان تبیین، سپس قلمروهای آموزه‌های اقتصاد اسلامی روش‌هایی را که عنصر اجتهاد اقتصاد اسلامی از دیدگاه‌های گوناگون و اقتصاد اسلامی متناسب با مبانی فقه شیعه باید در آنها جریان یابد تا کشف شود، بررسی خواهیم کرد.

## آموزه‌های اقتصاد اسلامی

محققان و اندیشه‌وران اسلامی وقتی از قلمرو و آموزه‌های اقتصاد می‌کنند، از واژه‌هایی بهره می‌برند که هم در دامنه اسلامی بحث اساسی و نیز در مفاهیم این واژه‌ها استفاده از میزان واژه‌های دست‌کم در ظاهر باعث اختلاف‌های فراوانی وجود دارد. این اختلاف‌ها است. تفاوت برداشت‌هایی در قلمرو و آموزه‌های اقتصاد اسلامی شده برخی، احکام اقتصادی ثابت و غیرثابت را قلمرو اقتصاد اسلامی معرفی بعضی افزون بر آنها از واژه مبانی و مکتب اقتصادی سود می‌کنند اندیشه‌وران معتقدند که افزون بر آنها علم اقتصاد می‌برند. تعدادی از نیز بر این باورند که قلمرو اقتصاد اسلامی نیز داریم. صاحب‌نظرانی است. همچنین آرای اسلامی شامل فلسفه، مکتب، نظام، نهاد و حقوق دیگر.

برخی صاحب‌نظران نیز در کشف این آموزه‌ها روش‌هایی را ارائه داده‌اند. ارائه روش دستیابی این آموزه‌ها هم به نوع روش‌ها و هم در اختلاف در جایگاه و نحوه استفاده از این روش‌ها فراوان مفاهیم واژه‌ها، و همچنین پیشین، تحقیقات عمیق و است. \* بررسی هر یک از محورهای اختلاف‌ها در قلمرو گسترده‌ای را می‌طلبد. ما بدون ورود به نقد و بررسی اسلامی و آموزه‌های اقتصاد اسلامی، گمان می‌کنیم آموزه‌های اقتصاد (همانند)

این دیدگاه‌ها و اختلاف‌های آن‌ها در مقالات و گفت‌وگوهای کتاب ماهیت \* ساختار اقتصادی اسلامی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و است اسلامی آمده

(149 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

آموزه‌های اقتصادی سایر مکاتب اقتصادی) به مراحل مترتب بر هم ذیل هستند قابل تقسیم

1. مبانی اعتقادی: آموزه‌هایی هستند که بیانگر جهان‌بینی حاکم بر اقتصادی و زیربنا و تکیه‌گاه فکری و نظری مکتب اسلام درباره رفتارهای اسلامی است. موضوع این آموزه‌ها، خدای متعالی و آموزه‌های اقتصاد است. آن دسته از آموزه‌هایی صفات او، جهان هستی، انسان و جامعه مورد توجه قرار که در رفتارهای اقتصادی تاثیر داشته باشد، در اقتصاد می‌گیرد؛ از باب مثال، خداوند متعالی خالق جهان هستی و انسان‌ها است. او مالک و رب است. هدایت تکوینی خداوند دائم و مستمر، و جهان قیومیت او است تحت احاطه و

درباره جهان هستی گزاره‌هایی از قبیل همه جهان هستی رو به سوی هستی برای انسان خلق شده است. جهان شامل دنیا و خدا دارند. همه آخرت محل درو و پاداش است آخرت است. دنیا محل کشت و آزمایش و

درباره انسان گزاره‌هایی از این دست در شمار این‌دسته معارف قرار دارند: دارای دو بعد روح و جسم است. هدف از خلقت انسان تکامل روح انسان در مسیر تکامل ابزاری در خدمت تکامل و جسم او است. جسم انسان برابر خدای متعالی روح است. انسان خلیفه خدا روی زمین و مسؤول در دارد است. انسان برای تکامل خود، افزون به عقل، به وحی نیز نیاز

همچنین درباره جامعه گزاره‌های مطرح عبارتند از هم جامعه و هم فرد بر جوامع انسانی سنت‌های الهی حاکم است که توجه به اصالت دارند. جهت‌گیری‌های اقتصادی دارد آن‌ها تاثیر فراوانی در

2. مجموعه‌ای از اصول و قواعد اساسی: این مجموعه دستورهای کلی اعتقادی و ارزشی است که جهت دستیابی به اهداف مبتنی بر مبانی اقتصادی هستند. همانند مالکیت اقتصادی و حل مشکلات و معضلات دخالت دولت مختلط (خصوصی و عمومی)، آزادی اقتصادی محدود، لزوم برای تحقق اهداف اقتصادی، لزوم توزیع عادلانه ثروت‌های اولیه و توزیع مجدد درآمدها، لزوم رعایت حق فرد و جامعه در تراحم مصالح فرد و جامعه

شایسته توجه است که اولاً این اصول و قواعد اساسی، محدود به آنچه ممکن است برخی از اصول دیگر در ردیف آنها قرار . ذکر شد، نیست گیرد. ثانیاً همه اینها لزوماً در

(150 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

عرض هم نیستند و چه بسا نوعی ترتب بین اینها وجود دارد؛ برای مثال، دولت زمانی پذیرفتنی است که آزادی اقتصادی محدود، امری لزوم دخالت درآمدها بر فرض لزوم دخالت دولت ممکن مسلم فرض شود یا توزیع مجدد باشند؛ به طور مثال نمی توان باشد. ثالثاً این اصول نباید با هم ناسازگار پذیرفت آزادی اقتصادی مطلق با لزوم دخالت دولت در اقتصاد را

3. احکام اقتصادی: احکام و قوانین در حوزه فعالیت های اقتصادی افراد، دولت است. تعدادی از این احکام عبارتند از حرمت ربا، سازمانها اتلاف، اضرار به غیر، اتراف. همچنین احکام اسراف، احتکار، کنز، انحصار، خدمات به وسیله دولت، اخذ مربوط به بورس بازی، قیمت گذاری کالاها و حکم انواع مالیات، سیاست های تورمزا، جبران کاهش ارزش پول، بیمه و معاملات شناخته شده در فقه معاملات مثل بیع، اجاره، مضاربه، مساقات این احکام و قوانین از یک سو در مقایسه با آموزه های دسته دوم . . . و می شوند و از سوی دیگر بستر حقوقی استخراج الگوهای روبنا شمرده یا خود حکم تکلیفی الزامی است، رفتاری هستند. این دسته از احکام که احکام تکلیفی مانند حرمت ربا، اسراف و ... یا احکام وضعی هستند الزامی را در پی دارند؛ برای مثال، وقتی گفته می شود بیع صحیح است، لازم اش نقل و انتقال ثمن و مثنی است و بعد از انتقال، حرمت تصرف مثنی و برای مشتری در ثمن است. احکام و قوانین اقتصادی برای بایع در افراد را به سمت اهداف اقتصادی تنظیم جهت گیری فعالیت های اقتصادی است می کند و چارچوب های تمام سیاست های اقتصادی

برخی از احکام اقتصادی در زمره احکام الزامی نیست؛ بلکه مستحبی ارزش های اخلاقی در حوزه فعالیت های اقتصادی گفته شمرده، و به آنها ایثار، صدقه، انفاق در راه خدا، می شود. همانند زهد در مصرف، جهت دهی فعالیت های قرض الحسنه. این دسته از احکام افزون بر نقش اقتصادی به سمت اهداف اقتصادی باعث تهذیب نفس انسان و تکامل آن به سمت خدای متعالی هستند

4. الگوهای رفتاری در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف: این الگوها فعالان دولت و مردم را به هم و به منابع ارتباط می دهند و فعالیت های اقتصادی اهداف اقتصادی رهنمون می شوند. این الگوها در اقتصادی را به سوی بستر اصول و قواعد اساسی، و احکام

اقتصادی شناخته شده، استنباط و استخراج می‌شوند. این الگوها عبارتند  
مصرف، الگوی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، الگوی عرضه و تقاضای از الگوی  
... الگوی عرضه و تقاضای بازار عوامل و بازار کالا و خدمات،

این چهار دسته آموزه‌ها در عرصه اقتصاد اسلامی دارای ویژگی‌های ذیل  
هستند:

ا. دسته اول زیربنا و بستری برای دسته دوم هستند و همین‌طور دسته  
سوم و دسته سوم برای دسته چهارم؛ دوم برای دسته

ب. هر دسته از این آموزه‌ها با سایر آموزه‌ها همسویی و همخوانی دارند  
نباید بین دسته‌ای از آموزه‌ها با سایر دسته‌ها ناسازگاری و هیچ‌گاه  
باشد؛ تنافی وجود داشته

ج. میان آموزه‌های هر دسته نیز باید هماهنگی وجود داشته باشد؛

د. تمام یا بخش اعظم این آموزه‌ها از عقل و وحی (قرآن) و سنت  
استخراج می‌شوند معصومان استنباط و

چهار دسته آموزه‌های پیش‌گفته با توجه به ویژگی‌های بیان شده در  
اهداف اقتصادی در جامعه، شناسایی و جهت تحقق یک سری  
نیز مورد توجه است ساماندهی می‌شوند؛ در نتیجه دسته پنجم آموزه‌ها

اهداف اقتصادی: اهداف اقتصادی، نقطه‌های مطلوب و خواسته‌هایی  
فعال اقتصادی، فعالیت‌های اقتصادی خود و کلّ نظام هستند که هر  
اقتصادی نظام را برای دستیابی به آن اقتصادی، راهبردها و سیاست‌های  
رفاه عمومی، عدالت سامان می‌دهد. این اهداف در سطح کلان از قبیل  
اقتصادی و امنیت اقتصادی است و در سطح خرد به صورت هدف  
سرمایه‌گذار و تولیدکننده و نیز هدف مصرف‌کننده مطرح است؛ برای مثال  
هدف تولیدکننده حداکثرکردن سود و هدف مصرف‌کننده: گفته می‌شود  
\*.بیشینه‌کردن مطلوبیت است

در تایید برداشت ما از آموزه‌های اقتصادی اسلام می‌توان به بسیاری  
نوشته‌های

---

\* آموزه‌های اقتصاد اسلامی که در اینجا بیان شده است، الهام گرفته از  
محقق اقتصاد اسلامی، سیدحسین میرمعزی است. نوشته‌های

نظام اقتصادی اسلام (مبانی): علاقه‌مندان به این منابع رجوع کنند  
اقتصادی اسلام (فلسفی): نظام اقتصادی اسلامی (مبانی مکتبی)، نظام  
اسلامی (اهداف و انگیزه‌ها)، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

(152 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

محققان اقتصاد مراجعه کرد. محققان هنگامی که به بررسی آموزه‌های  
اقتصادی می‌پردازند، هیچ‌گاه در یک بررسی جامع به یک دسته نظام‌های  
بسند نمی‌کنند؛ بلکه از لابه‌لای تحقیقات آن‌ها از پنج نوع آموزه پیشین  
می‌شود. منابعی که به بحث از هر پنج دسته آموزه پیش‌گفته آشکار  
مطلب هستند؛ البته تاریخ عقاید اقتصادی پرداخته‌اند، گواه روشنی برای  
اقتصادی، - همان‌گونه که آقای منذر قحف اشاره کرد - هنگام اطلاق نظام  
نمود و تبلور آن در دسته دوم از آموزه‌های پیش‌گفته، بیشتر آشکار  
این امر بدان سبب است که دسته دوم از آموزه‌ها جنبه می‌شود.  
برنامه‌های اقتصادی هر نظامی دارد و راهبردی برای تمام سیاست‌ها و  
یا سوسیالیسم یا اسلام هرگاه واژه نظام اقتصادی با پسوند سرمایه‌داری  
عسان (به کار برده شود، بیشتر، راهبردهای آن به ذهن خطور می‌کند  
(محمود ابراهیم و منذر قحف، ۱۳۸۱: ص ۹۴

در ادامه، ابتدا آرای برخی اندیشه‌وران و فقیهانی را که قلمرو اقتصاد  
روش کشف آن را براساس مبانی فقه شیعه ارائه داده‌اند، بیان اسلامی و  
روش‌هایی برای کشف آموزه‌های پنجگانه و بررسی می‌کنیم؛ آن‌گاه  
می‌شود. در این پیشین که مطابق با مبانی فقه شیعه باشد، تبیین  
بررسی ابتدا دیدگاه حداقلی درباره قلمرو اقتصاد اسلامی مطرح و  
بررسی می‌شود؛ آن‌گاه دیدگاه شهید صدر تبیین و بررسی خواهد شد؛  
بیان، و بعد در تبیین کشف آموزه‌های اقتصاد سپس دیدگاه حداکثری  
ترکیب استفاده می‌شود اسلامی - پیش‌تر اشاره شد - از روش

## اقتصاد اسلامی به معنای مبانی ثابت 1.

برخی اندیشه‌وران اسلامی بر این باورند که اسلام در مسائل اقتصادی  
مبانی و کلیاتی بسنده کرده است و سیستم اقتصادی فقط به ارائه  
متفاوت، تفاوت خواهد داشت؛ براساس اوضاع زمانی و مکانی و مصالح  
چنان‌که سیستم نظامی و سیاسی امروز ما با سیستم نظامی و  
سیاسی زمان پیامبر فرق دارد؛ بنابراین، اسلام فقط در مبانی اقتصادی  
یعنی فقط مبانی را ارائه داده است، اما در سیستم تأسیس دارد؛  
سیستم‌های گوناگون اقتصادی دنیا مطالعه هیچ‌گونه تأسیسی ندارد. باید  
سیستم‌های شود و بهترین سیستم یا ترکیبی از

(153 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

---

دنیا را که با اوضاع زمانی و مکانی ما سازگاری داشته باشد، و نیز با تأسیسی ما مخالف نباشد، انتخاب و در جامعه اجرا کنیم. یکی از مبانی این باره می‌گوید اندیشه‌وران اسلامی در

اسلام در هر بعدی از ابعاد زندگی، اعم از اقتصادی و غیراقتصادی، مبانی داده است ... ؛ مبانی، اصول کلی‌ای است که تابع شرایط زمان و ارائه این‌که مصرف نباید به حد اسراف و تبذیر برسد؛ اما مکان نیست؛ مثل زمان است که نباید در تعارض و سیستم، طرح و برنامه براساس شرایط شناخته شد، مخالف با مبانی اسلامی باشد. بعد از این‌که مبانی متخصصان اقتصاد می‌توانند براساس آن، سیستم‌های گوناگونی را در مختلف زمانی و مکانی طراحی کنند ... اسلام ... سیستم شرایط است. تأسیس در مبنا درست است؛ اما اقتصادی خاصی را مطرح نکرده را مطالعه می‌کند؛ در سیستم خیر. ... حکومت اسلامی، نظام‌های دنیا سیستم‌های گوناگون اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد و سیستمی را که با شرایط ما سازگاری دارد یا ترکیبی از سیستم‌های اقتصادی دنیا را شرایط زمانی و مکانی ما سازگاری داشته باشد، همچنین مخالف با که با انتخاب می‌کند و در جامعه اسلامی پیاده می‌کند. مبانی شرعی نباشد، ((معرفت، ۱۳۷۹: ص ۲۸۵ - ۲۹۳).

چون بحث اصلی ما در این نوشتار بررسی روش‌های کشف آموزه‌های هماهنگ با مبانی فقه شیعه است و در این گفتار به دو اقتصاد اسلامی شده، ابتدا هر یک از این دو روش روش مهم امضا و تأسیس اشاره آموزه‌های اقتصاد بررسی می‌شود و جایگاه هر یک در استفاده از اسلامی مشخص شده؛ آنگاه آرای این اندیشه‌ور و سایر اندیشه‌وران مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

## روش امضا

فقه اسلام از یک دیدگاه به باب معاملات و عبادات تقسیم می‌شود. فقیهان معاصر آن است که احکام عبادات تأسیسی و احکام مشهور میان تمام عبادات، حدود، شروط و قیود آن‌ها معاملات امضایی هستند؛ یعنی آن‌ها را نیز بیان کرده است؛ را شارع مقدس جعل و اعتبار، و نوع احکام قیود و احکام آن‌ها بنابراین، برای آن‌که عبادات را همراه با حدود، شروط، معاملات شناسایی کنیم، ناگزیر باید در ادله شرعی جست‌وجو کرد؛ اما این‌گونه نیستند. تمام معاملات همراه با حدود، شروط، قیود و احکام آن‌ها عرف و عقلا به لحاظ را



با تردیدهای جدی این دسته ادله از طرف فقیهان و اندیشهوران اسلامی مواجه شده است.

با پذیرش مطلب پیشین، هر عقدی که در محیط عرف جریان یابد، شرع آن است، مگر آن که با ادله نهی منافات داشته باشد که در این را امضا کرده به وسیله مخصصات، مقصود جدی شارع کشف صورت با تخصیص ادله عام عقلا جریان یافت، کافی می شود؛ بنابراین، وقتی عقدی در محیط عرف و امضای شارع است ما دنبال ردع شارع باشیم. اگر ردعی نیافتیم، دلیل بر است. به همین سبب گفته می شود صحت عقود جدید نیازمند امضای چند امضا به نحو عدم ردع باشد شارع است؛ هر

از مطالبی که درباره روش امضا نوشتیم، مشخص است که می توان از دسته سوم آموزه های اقتصاد اسلامی (احکام روش امضا در کشف قول پیشین نیز آمده اقتصادی) بهره جست؛ چنان که در گفتار صاحب است: «اسلام در باب معاملات، در حد تعدیل (کم یا زیاد کردن برخی شروط معامله) نظر دارد. اسلام معامله ای را اعتبار و ایجاد نکرد؛ بلکه را خود عرف اعتبار و ایجاد کرد. اگر معامله ای با مبانی تمام معاملات را نهی می کند؛ بنابراین، تردیدی نیست اسلام مخالف باشد، اسلام آن اقتصادی را با چه شرایط و در کشف این که کدام معامله عرفی و رفتار بهره جست. قیودی شارع مورد تأیید قرار داده است، باید از روش امضا بر اساس این روش احکام رفتارهای اقتصادی عرف و عقلای دنیا در عرصه معاملات بررسی می شود و هر رفتاری که با احکام ثابت شده در عقود و پایه روش امضا، مورد تأیید شارع است؛ ولی شریعت مخالف نباشد، بر احکام ثابت شده شریعت در حوزه اگر اصل آن رفتار یا برخی از اقسام آن با تأیید و امضا قرار اقتصاد مخالف باشد، از ناحیه شریعت اصل آن رفتار مورد مثال نمی گیرد یا قسمی که با شریعت مخالف است قید می خورد. از باب وقتی در شریعت اسلام ثابت شد که «احل الله البیع و حرّم الربا» آن گاه که معاملات عرف و عقلای دنیا را

(156 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

---

به شریعت عرضه می کنیم، در می یابیم که تمام معاملات ربوی عرف و مخالف با حکم ثابت شده پیشین بوده و مردود شمرده شده عقلای دنیا ربا است، مگر موارد استثنای

با توجه به آنچه گذشت، آنچه صاحب این قول درباره معاملات و روش امضا واقع تبیین روش شریعت در باب معاملات است و از آیات و گفته، در استفاده کردیم. در خصوص مبانی گفته است روایاتی نیز همین روش را است و اشکالی بر که مبانی تأسیسی هستند. این مطلب نیز صحیح

گفتار ایشان وارد نیست؛ اما این که مقصود از روش تأسیس چیست، در ادامه توضیح مختصری داده می‌شود.

## روش تأسیس

مقصود از تأسیس چیست؟ این که گفته شده مبانی اقتصاد اسلامی معنا است؟ آیا این مبانی همانند عبادات وجود تأسیسی هستند، به چه است؟ اگر شارع مبانی را تأسیس نداشته‌اند و شارع آن‌ها را تشریح کرده را بر پایه آن مبانی و تشریح کند می‌توان با استفاده از ابزار عقل روبناها بنا نهاد؟

ممکن است تصور شود که تأسیس به معنای استفاده از ابزار عقل برای اعتقادی، اصول و قواعد کلی، احکام اقتصادی و... رسیدن به مبانی شود و فقط از ابزار عقل به این است؛ یعنی وحی و سنت کنار گذاشته معارف دست یابیم.

این مطلب، هرگز پذیرفتنی نیست؛ چون این قول بی‌نیازی بشر از وحی و می‌کند سنت را بیان

اگر بپذیریم که با استفاده از ابزار عقل، کتاب و سنت به مبانی اعتقادی خدای متعالی و صفات او، عالم هستی و ویژگی‌های آن، انسان و درباره و ابعاد آن، و به معارفی از این قبیل می‌توانیم خصوصیات وی، و نیز جامعه معارف به قواعد کلی و اصولی برسیم که دست یابیم و با استفاده از این باشد، در این صورت آیا این راهنمای عمل ما در عرصه‌های گوناگون زندگی روش مجاز خواهد بود؟

اجمالاً پاسخ مثبت است؛ اما این که در چه صورتی و با چه شرایطی در آینده هنگام توضیح «روش ترکیب» به بیان آن صحیح و مجاز است، تأسیس نامیده شده است خواهیم پرداخت. در این تحقیق این روش

(157 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

---

## اقتصاد اسلامی به معنای مذهب اقتصادی (نظریه شهید 2. صدر)

شهید صدر برای اقتصاد اسلامی گستره و قلمرو خاصی قائل است و بر آن ویژه‌ای را برای کشف آن در پیش می‌گیرد. دیدگاه شهید اساس روش کشف آن، و بررسی روش او مطابق با صدر درباره اقتصاد اسلامی، روش تفسیر نظریه « مبانی با فقه شیعه به تفصیل در مقاله‌ای تحت عنوان شهید صدر در باب کشف مذهب اقتصادی مطابق با مبانی فقه شیعه» است منتشر شده

(خلاصه آن مقاله چنین است (ر.ک: یوسفی، ۱۳۸۴)

1. مقصود از اقتصاد اسلامی، مذهب اقتصادی اسلام است. مذهب اساسی برای حلّ مشکلات اقتصادی مطابق با اقتصاد شامل هر قاعده در باب اقتصاد اسلامی عدالت است. مذهب اقتصادی از امور زیربنایی مذهب، به‌شمار می‌رود و در فقه مرسوم و متداول از آن بحث نمی‌شود. اقتصادی بر پایه افکار و مفاهیم بنیانی اخلاقی، فلسفی، علمی و... قرار می‌شود. از سوی دیگر، مذهب اقتصادی یک نوع اساس و قاعده داده در عرصه اقتصادی است نظری برای وضع قوانین مدنی

2. روش کشف مذهب اقتصادی اسلام، روش اکتشاف یا حرکت از روبنا به یعنی محقق اقتصاد اسلامی با جمع‌آوری احکام و قوانین زیربنا است؛ اقتصادی، تنظیم و تنسيق آنها می‌تواند مدنی در عرصه فعالیت‌های روش نیست؛ اما مهم‌ترین مذهب اقتصادی را کشف کند. این روش، یگانه احکام روش در تحقیق اقتصاد اسلامی است. در این روش هر مجتهدی مستنبط خود را کنار هم قرار می‌دهد و به مذهب اقتصادی دست احکام به‌رغم این‌که در عالم واقع انسجام کافی دارند، در می‌یابد؛ اما احکام مستنبط مجتهد، انسجام کافی برای عالم اثبات ممکن است بین بنابراین، مجتهد برای کشف مذهب اقتصادی وجود نداشته باشد؛ کمک مذهب اقتصادی ناگزیر است از احکام مستنبط سایر مجتهدان بگیرد. بدین نحو که احکام مستنبط ناهماهنگ برای کشف مذهب می‌گذارد و به جای آن از احکام هماهنگ استنباط شده از اقتصادی را کنار این قواعد اساسی چون از روش اجتهاد، سایر مجتهدان استفاده می‌کند انطباق را با اسلامی استنباط شده، ممکن است بیشترین هماهنگی و واقع تشریح اسلامی داشته باشد

(158 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

3. ملاحظات و تردیدهایی درباره روش شهید صدر مطرح شده که است از: به چه دلیلی این مجموعه هماهنگ به نام مهم‌ترین آنها عبارت متفاوت به‌دست آمده، حجت مذهب اقتصادی که از فتاوی مجتهدان صرف نظر عندالله است و به چه دلیلی مجتهدی باید از برخی فتاوی خود کند و از فتاوی سایر مجتهدان که با فتاوی مخالف است و آن را اسلام نمی‌داند، استفاده کند؟ منتسب به

:در رفع این تردید، برخی فقیهان و اندیشه‌وران اسلامی مدعی شده‌اند

أ. در نظام‌سازی اقتصادی به‌دنبال عمل افراد نیستیم؛ بنابراین، حجیت یا معنا ندارد؛ پس وقتی فتاوی فقیهان از طریق اجتهاد درست عدم حجیت

دارد زیربنا را از آن‌ها کشف کند و مبنای استنباط شود، حاکم شرع حق عمل قرار دهد.

ب. حاکم شرع در کشف زیربناها از ظن غیر معتبر همانند مصالح مرسله، قیاس در صورتی که راه بهتری بیابد، می‌تواند استفاده کند استحسان و

ج. حاکم شرع درباره زیربناها حکم ولایی می‌کند و حکم ولایی ابداعی و کاشف از واقع و نفس‌الامر نیست؛ به همین سبب بحث ایجاد است نمی‌شود حجیت درباره آن مطرح

درباره مطلب اول باید توجه داشته باشیم که این قواعد اساسی 4. که افزون بر ارتباط آن‌ها به عمل افراد و شخصیت‌های به‌گونه‌ای هستند نهادهای قانونی و شخصیت‌های حقوقی حقیقی، در برگیرنده رفتارهای هستیم؛ بلکه برعکس نیز هست؛ بنابراین، نه این‌که به دنبال عمل فرد هر قاعده اساسی چنان میدان گسترده‌ای دارد که شامل عمل افراد، دولت و سایر نهادها و سازمان‌ها نیز می‌شود؛ بنابراین، همانند احکام نیز باید حجت عندالله باشند فردی این قواعد

مطلب دوم با پذیرش دو امر درست است: ا. مذهب اقتصادی اسلام امر جامعه اسلامی باشد؛ به‌طوری که رفتارهای اقتصادی ضرور برای مردم و باید بر مبنای مذهب اقتصادی مردم و سیاست‌های اقتصادی به ضرورت خواهند بود. ب. از باشد؛ وگرنه مردم و نهاد سیاستگذار معاقب عندالله طریق علم یا علمی (ظن معتبر) نتوانیم به مذهب اقتصادی اسلام دست یابیم. به عبارت دیگر، در کشف مذهب اقتصادی اسلام با انسداد باب علم (معتبر) مواجه باشیم و علمی (ظن)

(159 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

---

اگر این دو امر را بپذیریم می‌توان پذیرفت که حاکم شرع حق دارد در کشف و مذهب اقتصادی از ظن غیرمعتبر بهره‌مند شود زیربناها

به نظر می‌رسد امر اول قابل قبول باشد؛ ولی در ادامه روشن خواهد شد مذهب اقتصادی، بلکه فراتر از آن، کشف نظام اقتصادی که راه کشف طریق علم یا علمی آن را کشف کرد. اسلام منسند نیست و می‌توان از غیرمعتبر استفاده افزون بر این، اگر ولی فقیه حق داشته باشد از ظنون نداشته کند، به چه دلیلی فقیهان دیگر حق استفاده از ظنون غیر معتبر را! باشند؟

مطلب سوم این‌که درباره احکام ولایی گفته شده ابداعی و ایجاد است کاشف از واقع و نفس‌الامر باشد. این سخن را به دو معنا و لازم نیست که ولی فقیه درباره افعال و روابط ارائه می‌تواند حمل کرد: ۱. احکامی

حکمی داشته باشد؛ ۲. در واقع و دهد، نیازی نیست در واقع و نفس الامر چون براساس نفس الامر حکم الهی وجود دارد؛ اما حکم ولی فقیه مصلحت است، به مطابقت با واقع و نفس الامر نیازی نیست

اگر به معنای اول باشد، به طور کامل با جامعیت دین که پیشتر بیان شد، دارد. آیاتی همانند «ما فرطنا فی الكتاب من شیء (انعام ۶)، (۳۸) منافات لیس شیء الا و قد جاء فی الكتاب و جاءت فیہ السنه» و روایاتی همانند (و ۴۸) بر وجود نقشه جامع در (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، باب ۳۴، ح ۴۷) عالم واقع و علم الله دلالت دارد

افزون بر این اشکال، حکم ولی فقیه به صورت حکم منتسب به اسلام حکم صحیح است؛ یعنی خداوند متعالی به این حکم براساس این دیدگاه باشد، این همان مطابقت با راضی است. وقتی خداوند به حکمی راضی فقیه، در واقع و واقع و نفس الامر است؛ وگرنه باید پذیرفت که با حکم ولی نفس الامر انقلابی پدید می آید و نفس الامر مطابق با حکم ولی فقیه می شود. این نتیجه، همان تصویب است که زیربنای اصلی فقه اهل به آن ها اجازه استفاده از استحسان، قیاس، سنت به شمار می رود که ولی فقیه بر فعلی یا مصالح مرسله و... را داده است؛ یعنی وقتی رابطه ای حکمی کرد، خداوند به آن راضی خواهد شد؛ واقع مطابق آن حکم تغییر می کند و مهر صحت بر آن حکم زده می شود

این تفسیر به یقین مخالف نظر شهید صدر است؛ چرا که پیشتر از وی اقتصادی که از روش اکتشاف به دست می آید (چون از نقل کردیم مذهب روش اجتهاد صحیح

(160 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

به دست می آید) بیشترین انتساب را به عالم واقع دارد. این سخن معنای می کند؛ بلکه برخلاف نظر کسانی که می گویند مذهب اول را نفی حجیت نیازی ندارد، قائل به حجیت و اقتصادی به مطابقت با عالم واقع و مطابقت با عالم واقع است

اگر معنای دوم منظور باشد، باز هم حکم ولی فقیه حکم منتسب به آن راضی است. اگر گفته شود واقع و نفس الامر خود اسلام و خداوند به حکم آن را بیان کرده، دارد، در حکمی درباره فعلی را که ولی فقیه گفته شود چون این صورت، وجود حکم نفس الامر لغو خواهد شد و اگر حکم ولی فقیه براساس مصلحت است، به مطابقت با حکم نفس الامر ندارد، پاسخ می دهیم که حکم نفس الامر نیز براساس مصلحت نیازی و اگر گفته شود: نفس الامر حکم دارد، ! است. علت ترجیح کدام است؟ صادر می کند، اما به محض این که ولی فقیه درباره فعلی، حکمی

نفس الامر، مطابق با حکم ولی فقیه تغییر خواهد یافت، خواهیم گفت: که با مبانی فقه شیعه آشنایی مختصری دارند، خواهند پذیرفت کسانی نظریه تصویب خواهد شد که زیربنای فقه اهل که این مطلب نیز مطابق نپذیرفته‌اند سنت است که فقیهان شیعه آن را

با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد که یگانه راه تصحیح نظریه شهید شدن به انسداد باب علم و علمی در کشف نظام‌های صدر قائل برداشت مشکلات فراوانی است اجتماعی و اقتصادی است. شاهد این کشف مذهب که شهید صدر در استفاده از نصوص و منابع استنباط برای اقتصادی مطرح کرده است

### اقتصاد اسلامی به معنای مفهوم جامع 3.

برخی محققان، قلمرو اقتصاد اسلامی را فراتر از باب معاملات و عقود و کلیات ثابت و نیز گسترده‌تر از مذهب اقتصادی می‌دانند. گفتار مبانی و دیدگاه است ذیل اشاره به این

اقتصاد اسلامی پسوند اصطلاحات گوناگونی از قبیل علم، نظام، مکتب، و... است؛ از این رو اقتصاد اسلامی بدون تعیین پیشوند حقوق، فلسفه می‌تواند شامل همه مقولات پیشین آن، دارای مفهوم جامعی است که باشد ... ؛

براساس این دیدگاه، مقوله‌هایی همانند اقتصاد اسلامی را هیچ‌گاه نباید و بریده از برخی مقوله‌های زیربنایی، بدون هدف و بی‌ارتباط با امر منقطع اجتماعی دید؛ سایر نظام‌های

(161 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

: بلکه درک درست اقتصاد اسلامی فقط با نگاه سیستمی ممکن است

نگرش سیستمی، روشی از برخورد با پدیده‌ها و مقولات است که بر کلّ می‌نگرد و ارتباط اجزا را با یک‌دیگر و تاثیر و تاثر آنها را متشکل از اجزا می‌دهد. افزون بر این، همین کلّ متشکل از اجزا نیز مورد توجه قرار مشاهده نمی‌شود؛ بلکه خود با دیگر به صورتی مجزا از سایر پدیده‌ها خود جزئی از اجزای پدیده‌ها در جایگاه «کل»های دیگر در تعامل است و میان کلّ بزرگ‌تری به‌شمار می‌رود. از طرفی، رابطه‌ای سلسله‌وار نیز منابع آغاز کار دیگری است. ... سیستم‌ها برقرار است. حاصل کار یکی، عقیده که اسلام یک کلّ نظام‌مند است و در هنگام تحقیق درباره اصل این باید آن جزء را در درون کلّ مورد مطالعه قرار داد، کاملاً هر یک از اجزای آن کلامی روشنی است. بی‌تردید آموزه‌های صحیح است و دارای مبانی به‌سوی اهداف معینی اسلام از سوی خداوند حکیم برای هدایت بشر

نظام‌مند نبودن است و بی‌ارتباط بودن آن‌ها با یک‌دیگر و به‌عبارت دیگر آن‌ها در راستای اهداف، با حکمت خداوند سازگار نیست. (همان: ص ۲ و 3)

### **:براساس این دیدگاه**

جهان بینی اسلامی، اهداف و ارزش‌ها را تولید می‌نماید و براساس آن‌ها اساسی که نشانگر روش اسلام در دستیابی به اهداف است، قواعد زیربنای الگوهای رفتاری و الگوهای روابط قرار وضع می‌گردد و این قواعد، اخلاقی تبیین شده‌اند می‌گیرد که به وسیله احکام حقوقی و

این زنجیره از جهان‌بینی تا احکام ثابت در حوزه اقتصاد، ارائه‌دهنده طرح نظام اقتصادی اسلام با همه اجزا و اهداف و میانی بوده و وابسته نظری خاصی نیستند؛ زیرا همه، با واسطه یا بدون واسطه، از به زمان و مکان و جهان‌بینی اسلام، امری ثابت و جهان‌بینی اسلام نشات می‌گیرند غیرمتغیر در طول زمان است.

آنچه برای هر عصر و هر وضع باقی می‌ماند، تطبیق این طرح نظری در شرایط است ... ؛ البته در مقام تطبیق، تزامم رخ می‌دهد خارج به تناسب احکام فرعی فقهیه است و دامن اهداف و میانی و دایره این تزامم فراتر از منطقی مطالعات اقتصاد اسلامی، در را نیز می‌گیرد. (گروه اقتصاد، سیر و) ۱۲۳ 122 مجموعه مقالات ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، ص

(162 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

### **«روش «ان» و «لم»**

بر پایه دیدگاه پیشین در قلمرو اقتصاد اسلامی که از جهان‌بینی تا علم اسلامی را شامل می‌شود، روش ویژه‌ای نیز برای کشف آن از اقتصاد شده است. در کتاب ماهیت و ساختار منابع و مدارک اسلامی ارائه اقتصاد اسلامی چنین آمده است:

از آنچه گذشت، نتیجه می‌گیریم که قبل از آن‌که به شکل تحقق‌یافته اسلام دست یابیم، باید طرح نظری آن نظام را که مبتنی بر نظام اقتصادی است و اهداف موردنظر اسلام را دنبال می‌کند، کشف کنیم. استنباط طرح نظری نظام اقتصادی اسلام با میانی می‌کند، کشف کنیم. استنباط طرح نظری نظام باید در و اهداف و احکام حقوقی و اخلاقی آن، یک استنباط فقهی است و حوزه‌های علمیه و به‌دست فقیهانی که تا حدودی با این‌گونه بحث‌ها دارند، صورت گیرد. ... کیفیت ارتباط جهان‌بینی، اهداف و ارزش‌ها، آشنایی الگوهای رفتاری و الگوهای روابط و حقوق و اخلاق قواعد مکتبی، کردیم. از این سلسله به هم پیوسته، اقتصادی را ... به روشنی بیان

گرفته است، جهان‌بینی آنچه در آیات و روایات فراوان مورد تصریح قرار م‌فاهیم اسلام و احکام حقوقی و اخلاقی آن است. به برخی از اهداف و ارزشی در حوزه اقتصاد نیز تصریح شده است؛ ولی بخش عمده‌ای از الگوهای رفتاری و الگوهای روابط را باید به‌وسیله «برهان قواعد مکتبی و اخلاقی، یا «برهان لِمَّ» (از طریق اصول اِنَّ» از طریق احکام حقوقی . (و ۱۲۴ 123 جهان‌بینی و اهداف) استنباط کنیم (همان: ص

از ظاهر این گفتار برمی‌آید که هم از «روش اکتشاف» و هم از «روش در استنباط قواعد مکتبی، الگوهای رفتاری و الگوهای «تکوین و ابداع استفاده از احکام حقوقی و اخلاقی برای روابط بهره خواهد برد؛ چون از روبنا (احکام استنباط قواعد مکتبی همان روش اکتشاف یا حرکت .حقوقی و اخلاقی) به زیربنا (قواعد مکتبی) است

اگر کشف قواعد مکتبی مستند به احکام حقوقی و اخلاقی مستنبط ظاهراً با محذوری که شهید صدر مطرح کرده، مواجه خواهد مجتهد باشد، حقوقی و اخلاقی مستنبط مجتهد، شد؛ یعنی ممکن است احکام و افزون برآن ممکن انسجام کافی برای کشف قواعد مکتبی را دارا نباشند اگر است قوی‌ترین عناصر برای حل مشکلات اقتصادی را نداشته باشد و آن احکام، مستنبط چند مجتهد باشد به‌نحوی که منسجم‌ترین احکام از مجتهد کنار هم قرار گیرند تا قواعد مکتبی که از انسجام و فتاوی چند قوت کافی برای حل مشکلات

(163 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

باشد، کشف شود، در این‌صورت این روش با محذور عدم حجیت و سایر پیش‌تر مطرح شد، مواجه می‌شود؛ البته اگر برای کاشف محذوراتی که آن قواعد به شریعت حاصل شود، حجت قواعد مکتبی، قطع به انتساب رفتارهای اقتصادی را خواهد بود و می‌توان براساس آن قواعد مکتبی، سامان‌دهی کرد

این دیدگاه نیز بر این باور است که احکام باب معاملات امضایی است؛ مقدس عقود مالی متداول بین عقلاً را در هر زمان، با قیود یعنی شارع است و مردم آن را مبنای عمل مشروع در باب خاصی پذیرفته و امضا کرده اِنَّ» برای کشف قواعد مکتبی معاملات قرار دادند؛\* بنابراین، در «روش امضا» استنباط ابتدا احکام حقوقی باب معاملات با استفاده از «روش می‌شود؛ آن‌گاه از این احکام قواعد مکتبی استخراج خواهد شد. این دیدگاه «روش لِمَّ» (از طریق اصول جهان‌بینی و اهداف) را نیز کنار «روش استنباط قواعد مکتبی ارائه داده است. ما در صدد نقد و بررسی اِنَّ» برای نوشته‌های موجود از این دیدگاه در صدد تبیین این دیدگاه نیستیم؛ چون بعد از تبیین کامل ابعاد روش تمام ابعاد این روش نبوده‌اند و چه بسا

متوجه این استنباط اقتصاد اسلامی بسیاری از ابهام‌ها و پرسش‌های دیدگاه برطرف شود؛ به همین سبب ما نیز فقط به دو پرسش، ذیل این بسنده می‌کنیم نظریه

### چند پرسش

1. استفاده از اصول جهان‌بینی و اهداف نظام اقتصادی اسلام برای مکتبی به چه دلیلی حجت است؟ به‌طور مثال، اگر در استنباط قواعد رسیدیم اصالت فرد که نظام سرمایه‌داری اصول جهان‌بینی به این نتیجه سوسیالیستی مدعی آن لیبرال طرفدار آن است و اصالت جامعه که نظام نتیجه است، در اسلام مردود باشند؛ بلکه در جهان‌بینی اسلامی به این رسیدیم که هم فرد و هم جامعه اصالت دارد، آیا می‌توانیم بر مبنای این جهان‌بینی استنباط کنیم که در نظام اقتصادی اسلام می‌توان اصل در عرصه فعالیت‌های اقتصادی محدود کرد؟ آیا آزادی‌های فردی افراد را را به شریعت اسلامی نسبت چنین استنباطی حجت دارد و می‌توان آن جامعه داد و صحیح است که مبنای عمل رفتارهای اقتصادی خرد و کلان قرار گیرد؟

---

ر.ک: طرح جامعه تحقیق در اقتصاد اسلامی، گروه اقتصاد پژوهشگاه اسلامی، ص ۱ فرهنگ و اندیشه \*

(164 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

---

2. اگر در استفاده از «برهان لِم» (از طریق اصول جهان‌بینی و اهداف، استنباط شود) و در بهره‌گیری از «برهان اِن» (از طریق قواعد مکتبی کشف شود) ناسازگاری پیش آید؛ احکام حقوقی و اخلاقی، قواعد مکتبی، اما از طریق یعنی از طریق برهان لِم به یک قاعده مکتبی دست باب مثال برهان اِن به عکس آن رسیدیم، در این صورت راه چاره چیست؟ از طریق «برهان لِم» به این نتیجه رسیدیم که دولت حق دخالت در اقتصاد دارد و می‌تواند از مردم مالیات بگیرد و محدودیت‌های بسیاری برای آن دارد؛ اما از طریق «برهان اِن» به نتیجه عکس آن دست یافتیم، مردم ایجاد کند؛ چیست؟ در این صورت راه چاره

### چگونگی دستیابی به آموزه‌های اقتصاد اسلامی

پیش‌تر درباره قلمرو و آموزه‌های اقتصاد اسلامی مطالب لازم بیان شد. پرسش را مطرح می‌کنیم که ما در جایگاه مسلمان چگونه اکنون این نفس‌الامر راه یابیم و آنچه برای سعادت دنیا می‌توانیم به ساحت شریعت شویم. یگانه راه دستیابی ما به شریعت و آخرت نیاز داریم از آن بهره‌مند

است. با مراجعه به نفس‌الامرّی عبارت از وحی (قرآن) و سنت و عقل قرآن، سنت و عقل می‌توانیم به مبانی اعتقادی و ارزشی، اهداف، راهبردها و احکام حقوقی رفتارهای اقتصادی دست یافته، با تنسیق و نظری نظام اقتصادی اسلام را کشف کنیم تنظیم آن‌ها، طرح

این کشف در صورتی می‌تواند منتسب به اسلام باشد که در کشف هر روش صحیح و با استفاده از عنصر اجتهاد مرسوم در آن آموزه اقتصادی، از آموزه‌های اقتصادی مکشوف به اسلام آموزه استفاده شود. میزان انتساب کشف وی بستگی و نفس‌الامرّی به توانایی علمی شخص مستنبط و روش دارد. هرچه توانایی وی بیشتر و روش درست‌تری در مطالعه پیش گیرد، میزان انتساب مکشوف و مستنبط او به اسلام و نفس‌الامرّی بیشتر خواهد انتظار آن نیست که آنچه در نهایت از روش صحیح کشف بود؛ البته اقتصادی موجود در عالم نفس‌الامرّی می‌شود، دقیقاً بر آموزه‌های نظام کشف شده نباید منطبق باشد. این سخن نیز بدان معنا نیست که آنچه در خارج به عینیت درآید؛ چون اگر فرد کاشف، صلاحیت کافی برای کشف داشته باشد و نیز از روش صحیح استفاده کرده باشد، مکشوف وی را می‌تواند

(165 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

نزد خدای متعالی حجت باشد. در آن هنگام می‌توان آن را در خارج بخشید. چون «لِلْمُصِيبِ أَجْرَانِ وَ لِلْمُخْطِئِ أَجْرٌ وَاحِدٌ»؛ در طراحی و عینیت توان کافی کشف را داشته باشد و از روش صحیح نتیجه اگر کسی مطابق با عالم نفس‌الامرّی باشد، دو استفاده کند، آنچه کشف می‌کند، اگر خواهد گرفت پاداش خواهد داشت و اگر خطا بود فقط یک پاداش

روشی که ما برای کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی معرفی می‌کنیم، در ادامه، مقصود از این روش، اجزا و ابعاد آن، و نیز «روش ترکیب» است آموزه‌های اقتصاد اسلامی توضیح داده نحوه استفاده از آن در کشف می‌شود

## روش ترکیب

مقصود ما از روش ترکیب در کشف نظام اقتصادی اسلام، بهره‌گیری از اکتشاف، و امضا است. با توجه به آنچه پیش‌تر درباره این روش تأسیس، هیچ‌یک از این سه روش به تنهایی در سه روش گذشت، به نظر می‌رسد ظرفیت لازم و کافی را کشف همه آموزه‌های اقتصادی اسلام، توانایی و یک در ندارند؛ بلکه لازم است از هر سه روش با توجه به ویژگی‌های هر کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی بهره جست. در ادامه، نحوه استفاده هر روش را در کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی توضیح می‌دهیم یک از سه

## أ. روش تأسیس

پیش‌تر درباره روش تأسیس و مقصود از آن در کشف آموزه‌های اقتصاد بیان شد. اکنون مطالب آتی را در نحوه استفاده از این اسلامی مطالبی اسلامی سامان می‌دهیم روش برای کشف آموزه‌های اقتصاد

برای کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام ابتدا از وحی (کتاب) ، سنت و اعتقادی و ارزشی اسلام کشف و استنباط می‌شود. این عقل، مبانی تکیه‌گاه منطقی سایر آموزه‌های اقتصادی اسلام آموزه‌ها؛ اصیل، بنیادی و جهان‌بینی اسلامی در عرصه شمرده می‌شود. این آموزه‌ها، در واقع، رفتارهای اقتصادی است

وقتی در جهان‌بینی اسلامی بپذیریم که خداوند متعالی، خالق، مالک و است و از سوی دیگر، انسان جانشین خدا و مسؤول ربّ جهان هستی در برابر او است، نتیجه این گزاره‌ها

(166 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

---

آن می‌شود که انسان در تصرف امکانات اقتصادی محدود به حدودی است تعیین کرده است. در نتیجه آزادی او در تصرف امکانات که خدای متعالی که در مبانی بپذیریم خداوند متعالی همه اقتصادی محدود می‌شود. آن‌گاه سوی دیگر هدف از خلقت جهان هستی را برای همه انسان‌ها آفریده و از لازم و انسان تکامل معنوی او است و امکان تکامل او بدون تکامل جسمی متعادل ممکن نیست، بعد خواهیم پذیرفت که هیچ‌گاه جایز نیست اندک نعمت‌های خدای بزرگ را به چنگ آورند و بخش عظیمی از افرادی همه محروم شوند و از این‌جا اصل لزوم انسان‌ها از حداقل امکانات مادی ثروت‌های اولیه و دخالت دولت برای تحقق اهداف، اصل توزیع عادلانه درآمدها استنباط می‌شود. وقتی در مبانی اعتقادی بپذیریم که هم جامعه و هم فرد اصالت دارند، رعایت مصالح فرد و جامعه در رفتارهای راهبردها و سیاست‌های اقتصادی به صورت اصل مورد پذیرش اقتصادی، مصالح فرد و جامعه هر یک به میزان سهم از قرار می‌گیرد و در تزامن وقتی در مبانی معتقد باشیم، منافع باید متحمل ریسک و زیان نیز بشود جامعه در که مالکیت حقیقی از آن خدای متعالی است و انسان، دولت و چارچوب اجازه خدا حق تصرف دارند، باور خواهیم کرد که مالکیت مختلط و دولتی و عمومی) به صورت اصل براساس آموزه وحی، امری (خصوصی منطقی است

از سوی دیگر وقتی در مبانی بپذیریم که نعمت‌های اقتصادی را خداوند انسان‌ها آفریده است و هدف غایی آفرینش نعمت‌های الهی برای همه باور داشته باشیم که بدون بهره‌مندی بهره‌مندی انسان است، و نیز

تعالی حقیقی و سعادت انسان‌ها از نعمت‌های الهی، جوامع انسانی به نخواهند رسید، نتیجه خواهیم گرفت که رفاه عمومی، هدف قطعی نظام اقتصادی اسلام است. همچنین وقتی تردیدی نداشته باشیم که خدای انسان‌ها به مصالح و مفاسد آن‌ها عالم است، بنابراین متعالی بیش از امکانات اقتصادی باید چگونه باشد تا حق همه می‌داند چارچوب تصرف در به معنای رعایت حقوق) انسان‌ها رعایت شده باشد، آن‌گاه عدالت پذیرفتنی اقتصادی همه انسان‌ها) به صورت هدف نظام اقتصادی اسلام است و عدول از آن ظلم شمرده می‌شود و از سوی دیگر امنیت اقتصادی خدشه‌دار می‌کند را نیز

وقتی اصول و قواعد اساسی بر پایه جهان‌بینی اسلامی استنباط شد، پایه و اساس حقوق

(167 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

اقتصادی قرار می‌گیرد و فقیه می‌تواند بر پایه آن‌ها و نیز با نظر به اهداف، احکام برخی از رفتارهای اقتصادی را استنباط کند؛ از باب مثال، صنایع، پدیده‌ای است که به شدت رفاه عمومی را در انحصارهای عمده غایی آفرینش نعمت‌های الهی معرض خطر جدی قرار می‌دهد و رابطه اجتماعی نقض می‌شود، و از سوی دیگر، نوعاً باعث مفاسد اخلاقی و خواهد شد که با هدف خلقت انسان منافات دارد؛ بدین لحاظ ممکن است عدم جواز انحصارهای عظیم حکم کند فقیه به

شایسته توجه است که در روش تأسیس که از زیربنای فکری و اصول و حقوق اقتصادی استنباط و استخراج اعتقادی اهداف، برخی دارد و صرفاً با استنباط می‌شود، استفاده از کتاب و سنت جایگاه خاصی اقتصادی را با مبانی اعتقادی و زیربنای فکری، بقیه مراتب آموزه‌های استفاده از عقل و بر مبنای آن مبانی استنباط نمی‌کنیم؛ بلکه ابتدا با استفاده از وحی و عقل مبانی فکری و اعتقادی (آموزه‌های بنیادی می‌کنیم؛ آن‌گاه با رعایت آن مبانی، از وحی و اقتصادی) را استنباط می‌کنیم. اصول و قواعد سنت، اصول و قواعد اساسی را استنباط اعتقادی مستنبط نباید در ناسازگاری با مبانی فکری و اساسی مستنبط باشند. اگر برخی قواعد و اصول اساسی با مبانی فکری و اعتقادی هماهنگ نباشد، این ناسازگاری با توجه به امور ذیل برطرف می‌شود:

1. آموزه‌های اقتصاد اسلامی در عالم واقع و نفس‌الامر هماهنگ و همسو با همند؛

2. مبانی فکری و اعتقادی باید با تکیه بر وحی (کتاب)، سنت و با ابزار عقل، به صورت قطعی و یقینی استنباط شوند؛ اما موضوع استفاده از

رفتارهای مردم و نهادهای اجتماعی است؛ گرچه اصول و قواعد اساسی، گسترده‌تر از موضوع احکام فردی دامنه موضوع اصول و قواعد اساسی از ادله ظنی است؛ بنابراین، استنباط اصول و قواعد اساسی موردنظر معتبر بلا اشکال است و در صورتی که مفاد این ادله ظنی معتبر با مفاد ادله‌ای که مبانی فکری و اعتقادی به‌نحو یقینی از آنها استنباط باشند، ادله یقینی و لوازم آن مقدم می‌شوند؛ در می‌شود، ناسازگار معتبر استنباط شد، با مبانی فکری و نتیجه اگر اصلی که از ادله ظنی می‌شود و با اعتقادی همخوانی کافی نداشته باشد، کنار گذاشته استفاده از ابزار عقل، اصل

(168 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

و قاعده اساسی که از مبانی فکری و اعتقادی یقینی استنباط می‌شود، مستنبط از ادله ظنی می‌شود جایگزین اصل

در صورتی که اصل مستنبط ناسازگار با مبانی فکری و اعتقادی از نصوص استنباط شده باشد، برای مثال از خبر متواتر یا خبر واحد محفوف قطعی استنباط شود، در این صورت هم ردیف و در تعارض با به قرینه قطعی که در این هنگام، به ضوابط باب مبانی فکری و اعتقادی قرار می‌گیرد اعتقادی تعارض عمل می‌شود، و سازگاری قواعد اساسی با مبانی یقینی، امر مهمی در رفع تعارض است

دربارۀ رابطه احکام اقتصادی با اصول و قواعد اساسی نیز چنین است. قواعد اساسی برای احکام اقتصادی جایگاه زیربنایی دارد و گرچه اصول و از اصول و قواعد اساسی استنباط کرد، احکام می‌توان احکام اقتصادی را و از عقل استنباط و اقتصادی به‌طور عمده از وحی (کتاب) ، سنت هیچ‌گاه استخراج می‌شود؛ اما احکام اقتصادی در چارچوب نظام اقتصادی نباید با هم ناسازگار باشند و همچنین نباید با اصول و قواعد اساسی اقتصاد که در حکم زیربنا برای این احکام اقتصادی هستند، عرصه بتوانیم از ادله نقلی و عقلی و اصول عملیه، احکام ناهماهنگ باشند. اگر اساسی را استنباط کنیم، به آنها اقتصادی هماهنگ با اصول و قواعد اساسی یقینی، عمل خواهیم کرد؛ وگرنه با استفاده از اصول و قواعد احکام اقتصادی لازم استنباط می‌شود و مبنای عمل قرار می‌گیرد

در روش تأسیس و حرکت از زیربنا به روبنا اگر بتوانیم همه آموزه‌های پنج نظام اقتصادی را مترتب بر هم و از عقل و وحی استنباط کنیم دسته شریعت اسلامی منتسب باشند، امری بسیار به‌گونه‌ای که به یقین به می‌شود، به‌نحو مطلوب و اقدامی منطقی است و سرانجام آنچه کشف آسان‌تری امکان تطبیق آن در خارج وجود خواهد داشت؛ اما به‌نظر می‌رسد که این امر بسیار دشوار باشد؛ چون در بسیاری از آموزه‌های

قطع و یقین می‌باشد، و تحصیل آن بسیار مشکل است؛ پیش‌گفته نیاز به است فقط در احکام فرعیه فقهیه به‌ویژه براساس مبنایی که معتقد و غیراحکام می‌توان به خبر واحد تمسک جست و امور فکری و اعتقادی فرعیه فقهیه را زمانی می‌توان به شریعت اسلام انتساب داد که یا دلیل یقینی یا خبر متواتر یا خبر واحد مقرون به قرینه قطعیه بر آن دلالت عقلی: برنجکار، (۱۳۷۵) کند

169 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

ش ۹، ص ۱۰۴ ۱۲۶)؛ به همین سبب در صدد راه ضمیمه جهت تکمیل آموزه‌های اقتصاد اسلامی باید باشیم و آن نقص روش تأسیس در کشف درباره ویژگی‌های هر یک استفاده از روش امضا و اکتشاف است. پیش‌تر به آن دو از این دو روش به مقدار نیاز بحث شد. این‌جا اشاره‌ای مختصر روش خواهیم داشت؛ سپس به توضیح و پاسخ برخی پرسش‌ها و می‌پردازیم ابهام‌ها

### **ب. روش امضا**

پیش‌تر بیان شد که میان مجموع آموزه‌های پنجگانه نظام اقتصادی اسلام و بروز، مهم‌ترین آموزه، اصول و قواعد اساسی نظام از جهت نمود دیگر و از جهت عملی و اجرا، احکام و اقتصادی اسلام است؛ اما از سوی و قواعد اساسی ضوابط اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارند. گرچه اصول در مستنبط، زیربنای احکام و ضوابط عملی امور اقتصادی و مالی هستند، کشف و استنباط احکام اقتصادی مهم‌ترین روش پذیرفته شده در شریعت است. فقه شریعت اسلامی توانایی و ظرفیت آن را اسلامی روش امضا عنایت به روش امضا از آن کشف و دارد که احکام رفتارهای اقتصادی با استنباط شود

### **ج. روش اکتشاف**

ماهیت روش اکتشاف همان است که پیش‌تر از شهید صدر بیان کردیم. روش امضا و بعد از کشف احکام اقتصادی از روش روش اکتشاف در جهت کشف آموزه دسته دوم اقتصاد امضا است. این روش را شهید صدر برای اقتصاد اسلامی (اصول و قواعد اساسی) به‌کار برد. شهید بزرگوار، اسلامی را مذهب اقتصادی تعریف کرد و معلوم شد که مقصودش از همان دسته دوم آموزه نظام اقتصادی اسلام است. ما مذهب اقتصادی، اکتشاف می‌دانیم و همان‌گونه که نیز یکی از اجزای روش ترکیب را روش استفاده کرد، ما هم شهید صدر از این روش برای مذهب اقتصادی اسلام توجه به برای اکتشاف و استنباط آموزه دسته دوم نظام اقتصادی اسلام با مطالبی که در ادامه می‌آید، استفاده می‌کنیم. در واقع اشکالاتی که بر

روش ترکیب (روش تأسیس، امضا و اکتشاف) وارد کرده بودیم یا اجزای و توضیحاتی ارائه می‌شود ممکن است وارد بشود، مطرح

(170 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

## نقد و بررسی روش ترکیب

ما قلمرو اقتصاد اسلامی را مجموعه‌ای از آموزه‌های اقتصادی اسلام و روش کشف و استنباط آن معرفی کردیم؛ اما ممکن است روش ترکیب را به طرح آن‌ها پرداخته، توضیحاتی را ابهام‌هایی متوجه این روش باشد که این روش‌ها عندالله حجت ارائه می‌دهیم. این ابهام‌ها عبارتند از ۱. آیا عالم هستند؟ ۲. نسبت مکشوفات این روش‌ها با آموزه‌های اقتصادی واقع و نفس‌الامر چگونه است؟

## حجت روش تأسیس و قلمرو استفاده از آن

در روش تأسیس بیان شد که می‌توان آموزه‌های اقتصادی اسلام را از استنباط و استخراج کرد. به هر یک از آموزه‌های کتاب، سنت و عقل مطابق با واقع و نفس‌الامر است یا مستنبط یا باید یقین حاصل شود که نخستین دسته آموزه، اگر یقین حاصل نشد، باید حجت عندالله باشد مبانی اعتقادی است. برخی از مبانی اعتقادی با برهان عقلی اثبات می‌شود که یقین آور است و حجت قطع و یقین نیز ذاتی است. اثبات ربوبیت او، ضرورت وحی و ... را می‌توان از طریق وجود خدای متعالی، است برخی از مبانی اعتقادی براهین عقلی و قطعی اثبات کرد. ممکن هدف غایی همانند اصالت فرد و جامعه، جانشینی انسان برای خداوند، خلقت جهان بهره‌مندی انسان است، و هدف غایی خلقت انسان را نتوان عقلی اثبات کرد؛ در این صورت باید از وحی (کتاب) و سنت بهره با برهان به مدلول آیاتی که بر مطلب دلالت داشته باشند، گرفت. به یقین می‌توان برای اثبات مبانی اعتقادی اگر تمسک جست؛ اما در استفاده از روایت هیچ اشکالی وجود روایات متواتر یا محفوف به قرینه قطعی‌الصدر بوده نخواهد داشت و مستفاد این دسته آیات و روایات حجت عندالله هستند؛ چون قطع و یقین برای ما حاصل می‌شود.

اگر برخی مبانی اعتقادی از طریق ادله قطعی قابل اثبات نباشد، آیا ادله ظنی معتبر همانند خبر واحد تمسک کرد؟ آیا دلیل حجت می‌توان به احکام افعال مکلفان است یا شامل امور خبر واحد فقط منحصر به اعتقادی، تکوینی و تاریخی نیز می‌شود؟

درباره این مطلب، بین متکلمان، فقیهان و اصولیان، موافق و مخالف فراوان دارد وجود

ما وارد این بحث نمی‌شویم و نظریه‌ای که مدعی است: ادله حجیت خبر از احکام افعال مکلفان را شامل می‌شود می‌پذیریم؛ واحد اموری غیر عقاید پذیرفته نشود، در فروع عقاید البته حجیت خبر واحد اگر در اصول آنچه از برهان پذیرفته می‌شود (همان، ص ۱۱۶ - ۱۲۲). بدین ترتیب عقلی، قرآن، نقل متواتر، نقل واحد محفوف به قرینه قطعی در تمام مباحث اعتقادی به دست می‌آید، حجت است و همچنین آنچه از خبر فروع اعتقادی استنباط و کشف می‌شود حجت واحد معتبر در مباحث است.

اهداف نظام اقتصادی و نیز قواعد اساسی مترتب بر مبانی اعتقادی از دو می‌آیند: ا. به صورت نتیجه مبانی اعتقادی به‌طور مستقیم از راه به دست شود؛ ب. از عقل، آیات و روایات استنباط شود. خود مبانی اعتقادی اخذ شوند، از جهت حجیت، به یقین اگر از روش دوم استنباط و استخراج بحث حجت خواهند بود و دلیل حجیت آن همان مطالبی است که در حجیت این منابع و مدارک در مبانی اعتقادی گذشت و اشکالی که به خبر در مبانی اعتقادی وارد شده بود، این‌جا وارد نیست؛ چرا که واحد معتبر زمره مباحث اعتقادی قرار ندارند اهداف و قواعد اساسی در

آنچه مهم به نظر می‌رسد، این است که اهداف و قواعد استنباط شده مترتب بر مبانی اعتقادی باشد؛ وگرنه اگر فعالان و باید هماهنگ و اعتقاد داشته باشند، ولی در عمل در سیاستگذاران اقتصادی به امری با باورها و پی امر دیگری باشند یا به روشی عمل کنند که همسو اعتقادات آنها نباشد، ناسازگاری در عمل و اعتقاد به وجود خواهد آمد و این امر به یقین اسباب ناکامی را برای نظام اقتصادی فراهم خواهد ساخت.

اگر اهداف و قواعد اساسی به‌طور مستقیم از مبانی اعتقادی نتیجه حجت خواهند بود و می‌توانیم ادعا کنیم که در واقع و شده باشند، آیا اسلام و قواعد اساسی همین‌ها نفس‌الامر اهداف نظام اقتصادی هستند؟

پاسخ این پرسش مثبت است؛ چون لوازم عقلی و عادی و شرعی ادله هستند و فقط لوازم عقلی و عادی اصول عملیه عقلی و نقلی حجت اصول عملیه هیچ جایگاهی حجت نیستند و در استنباط مبانی اعتقادی، استفاده نمی‌کنیم ندارند؛ یعنی ما هیچ مبنای اعتقادی را از اصول عملیه تا گفته شود لوازم عقلی و عادی آن مبانی اعتقادی مستنبط حجت نیستند.

احکام اقتصادی و الگوهای رفتاری که از قواعد اساسی استنباط می‌شوند عندالله حجت هستند؛ زیرا اگر احکام اقتصادی از لوازم عقلی، نیز همه باشند، حجت خواهند بود؛ چون قواعد عادی و شرعی قواعد اساسی ادله نقلی استنباط و اساسی یا به‌طور مستقیم از مبانی اعتقادی یا از کشف می‌شوند و لوازم عقلی، عادی و شرعی این‌گونه قواعد اساسی نیز حجت هستند و در استنباط قواعد اساسی، اصول عملیه جایگاهی برخی قواعد اساسی را از اصول عملیه استنباط و ندارند و اگر بتوانیم آنها حجت نخواهند بود استخراج کنیم، لوازم عقلی و عادی

### حجت روش امضا و اکتشاف و قلمرو استفاده از آنها

پیش‌تر درباره حجت هر یک از این دو روش بحث‌هایی مطرح شد. فقیهان در استنباط احکام معاملی و اقتصادی پذیرفتند و حجت و روش امضا را اما به روش اکتشاف اشکالاتی وارد شد و فقط دلایل آن را اثبات کردند؛ روش اکتشاف به‌دست می‌آید، در دو صورت قواعد اساسی را که از طریق یقین به آن حجت می‌دانیم: ا. آنچه از این طریق به‌دست می‌آید، قطع و حاصل شود که حجت قطع ذاتی است؛ اما حصول قطع در اغلب موارد در نتیجه کاربرد این روش اندک خواهد بود؛ ب. کشف مشکل است و اسلامی باشد و از سوی دیگر راه قواعد اساسی امری ضرور در اقتصاد این‌صورت از جهت کشف آن نیز از طریق علم یا علمی منسب باشد که در انسداد باب علم و علمی، قواعد اساسی که از طریق اکتشاف به‌دست می‌آیند به‌صورت ظنون قابل عمل، مبنای عمل افراد و سیاستگذاران می‌شوند؛ اما با توجه به آنچه پیش‌تر گذشت، ما اقتصادی نظام واقع مورد نظر در نظام اقتصادی می‌توانیم از دو طریق به قواعد اساسی روش اسلام دست یابیم و راه کشف آنها منسب نیست؛ بنابراین، اکتشاف مگر در فرض حصول قطع حجت نیست و مستنبطات این راه افراد و سیاستگذاران قرار گیرد. این امر در صورتی نمی‌تواند مبنای عمل از فتاوی‌سایر فقیهان در کشف است که محقق اقتصاد اسلامی بخواهد فتاوی‌خودش به قواعد و اصول اساسی استفاده کند. اما اگر بتواند از کشف اصول و قواعد اساسی پردازد هیچ‌گونه اشکالی بر آن وارد نیست بنابراین محقق اقتصاد اسلامی برای کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی از

روش تأسیس اقدام می‌کند و مبانی اعتقادی، اهداف و اصول و قواعد می‌کند. براساس اصول و قواعد اساسی می‌تواند به اساسی را کشف

ولی ممکن است آنچه از این طریق، برخی از احکام اقتصادی دست یابد همه آموزه‌های با توجه به شرایط گفته شده به دست می‌آید برای کشف اقتصادی در عرصه عمل کافی نباشد. بنابراین اولاً در کشف احکام اقتصادی باید از روش امضا و به‌طور مستقیم از عقل و نقل استفاده کنیم اکتشاف برای کشف اصول و قواعد اساسی بهره‌مند و سپس از روش فقیه ابتدا از فتاوی خودش شویم. ولی در بهره‌مندی از روش اکتشاف است. اما اگر استفاده می‌کند و آنچه استنباط و استخراج می‌کند حجت برخی قواعدی اساسی باقی ماند که کشف آن در عرصه اقتصادی آن‌گاه می‌تواند از فتاوی سایر فقیهان نیز استفاده نماید و در ضرورت دارد، آموزه‌های اقتصاد اسلامی اقدام نماید جهت تکمیل کشف

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

روش‌های اساسی را که محققان و فقیهان در کشف آموزه‌های اقتصاد گرفته‌اند، عبارتند از روش امضا، تأسیس، اکتشاف، اسلامی در پیش کشف احکام اقتصادی است. از روش تکوین. روش امضا مهم‌ترین روش در اکتشاف، تأسیس کشف مبانی ممکن می‌شود. از دیدگاه شهید صدر مهم‌ترین روش برای کشف مذهب اقتصادی یا قواعد اساسی است و مذهب اقتصادی کاربرد اندک و غیرمؤثری دارد روش تکوین در کشف

این روش‌ها با هم تداخل می‌کنند یا برخی در طول روش‌های دیگر قرار اکتشاف در طول روش امضا است. ابتدا با روش امضا می‌گیرند. روش استنباط می‌شود؛ سپس با استفاده از احکام اقتصادی از مدارک شرعی (اکتشاف این احکام، مذهب اقتصادی کشف می‌شود (روش

مستنبطات روش اکتشاف حجت نیست و نمی‌توان به آن عمل کرد، مگر امر معتقد باشیم: ا. راه علم و علمی کشف مذهب اقتصادی این‌که به دو اقتصادی ضرورت دارد؛ آن‌گاه می‌توانیم به منسند باشد؛ ب. کشف مذهب کنیم مستنبطات روش اکتشاف از باب ظن عام عمل

(174 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

---

نویسنده مقاله معتقد است در کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی، هیچ پیشین کافی نیست و از روش دیگری به نام روش ترکیب یک از روش‌های سه راه امضا، اکتشاف و تأسیس باید بهره برد. روش ترکیب مرکب از مستنبطات این دو است. راه تأسیس و امضا مهم‌ترین راه هستند؛ چرا که از باب علم یا ظن خاص حجت هستند؛ بنابراین، محققان و لجنه‌های اقتصاد اسلامی باید همه کوشش خود را برای کشف آموزه‌های علمی امضا و تأسیس به کار گیرند. اگر به کشف همه اقتصاد اسلامی از دو راه موفق شدند، به مطلوب رسیده‌اند. آموزه‌های اقتصاد اسلامی از این دو راه

باقی می‌ماند اگر در غیر این صورت آنچه از آموزه‌های اقتصاد اسلامی عام به کشف آن ضرورت دارد، باید از راه اکتشاف بهره ببرند و از باب ظن آن‌ها عمل کنند؛ بنابراین، راه اکتشاف راه مکمل در کشف اصول و قواعد است نه یگانه راه است اساسی

(175 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

---

## منابع و مأخذ

### قرآن مجید

1. اصفهانی، محمدحسین، حاشیه کتاب المکاسب، تحقیق شیخ عباس ق. 1418 محمد آل‌سباع، اول،
2. برنجکار، رضا، «روش‌شناسی علم کلام - روش استنباط از متون و نظر، سال سوم، ش ۹، زمستان ۱۳۷۵ ش دینی»، فصلنامه نقد
3. حرّ عاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل‌الشیعة (وسائل‌الشیعة الی مسائل‌الشریعة)، بیروت، مؤسسه آل‌البیت؟ لاحیاء التراث، اول، تحصیل ۱۴۱۳ق.
4. سلیمان‌پور، محمدجواد، «قراردارها مالی جدید در اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۱، پاییز ۱۳۸۲ ش تخصصی
5. غسان محمود، ابراهیم و قحف، منذر، الاقتصاد الاسلامی علمٌ ام وهمٌ، دارالفکر، اول، ۱۴۲۰ق دمشق،
6. گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، طرح جامع تحقیق اسلامی در اقتصاد
7. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیة، سوم، ۱۴۰۳ق.
8. معرفت، گفتگو درباره ساختار و ماهیت اقتصاد اسلامی در مجموعه ماهیت اقتصاد اسلامی مقالات ساختار و
9. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، البیع، مؤسسه نشر اسلامی، پنجم، ۱۴۱۵ق.

(176 اقتصاد اسلامی « شماره ۲۲ (صفحه

---

1.

2. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، مصباح‌الفقاهه، تقریر اباحت سماحه . به قلم محمدعلی توحیدی، قم، نشر دآوری، ۱۳۷۷ش آیت‌الله خویی،
3. میرمعزی، سیدحسین، نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه‌ها)، فرهنگ‌ی دانش و اندیشه معاصر، اول، ۱۳۷۸ش تهران، مؤسسه
4. \_\_\_\_\_ ، ساختار کلان نظام اقتصادی اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، اول، ۱۳۸۱ش دانش و
5. \_\_\_\_\_ ، نظام اقتصادی اسلام (مبانی فلسفی)، تهران، مؤسسه اندیشه معاصر، اول، ۱۳۸۰ش فرهنگی دانش و
6. \_\_\_\_\_ ، نظام اقتصادی اسلام (مبانی مکتبی)، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، اول، ۱۳۸۰ش دانش و
7. یوسفی، احمدعلی، «تفسیر نظریه شهید صدر در باب کشف مذهب مبانی فقه شیعه»، فصلنامه فقه و حقوق، ش ۵، اقتصادی مطابق با ۱۳۸۴ش
8. یوسفی، احمدعلی، با همکاری سعید فراهانی فرد و علی‌رضا اقتصاد اسلامی (مجموعه مقالات و گفتگوها)، لشکری، ماهیت و ساختار معاصر، اول، ۱۳۷۹ش تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه

پایان مقاله